

آداب سفارت و آئین مذاکره در شاهنامه

مرتضی منشادی¹
وحید بهرامی عین‌القاضی²

چکیده

دیپلماسی قدمتی به بلندای تاریخ حکومت (دولت) دارد و به این ترتیب دیپلمات همواره در کنار حکمران بوده است. عرصه سیاست، آداب روابط سیاسی و شخصیت بازیگران سیاسی، برای بیش‌تر مردم حوزه‌ای مرموز و محاط در هاله‌ای اسرارآمیز است. آن‌چه در برداشت عمومی از این قلمرو مشترک است، وجود امتیازات اغواکننده و شخصیت غالباً زیرک، برنامه‌ریز، مدبر، بی‌رحم و گاه عدالت‌پیشه سیاست‌مداران است. دیپلماسی فنی تلقی می‌شد که از شکل گرفتن در قالب قواعد گریزان بود. آن‌هایی هم که دیپلمات بودند، بندرت از رموز این فن نوشتند. شاهنامه روایت حکمرانی ایرانیان از طلوع تاریخ آنان تا غروب حکومت ساسانیان است. جست‌وجو در شاهنامه برای استخراج آداب دیپلماسی و آئین مذاکره در دوران باستان، برخی از قواعد و ویژگی‌های این حوزه را بازنمایی می‌کند. سؤال اصلی در مقاله حاضر این است که آداب سفارت و آئین مذاکره در دوران گذشته ایران چگونه بوده است؟ در پاسخ به این پرسش، مدعای مقاله آن است که دیپلماسی به دلیل تجربی بودن، قواعد و ویژگی‌هایی دارد که در طول زمان یک‌سان مانده‌اند، اما تشریفات آن تغییر کرده است. روش فهم ما برای استخراج قواعد و ویژگی‌های دیپلمات و دیپلماسی در ایران باستان توصیف و تحلیل بوده است.

واژگان کلیدی: شاهنامه، دیپلماسی، سفارت، سفیر، مذاکره.

¹ استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤول)، manshadi@um.ac.ir

² دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، vahid.bahrami@stu-mail.um.ac.ir

مقدمه

نخستین جماعت‌های انسانی با مفهوم رهبری آشنا بودند و با توجه به سنت خود، بهترین افراد را برای این سمت انتخاب می‌کردند. رهبری جماعت نیز به روابط سلسله‌مراتبی در اداره زندگی جمعی رسید و حکومت تشکیل شد (گیدنز، 1383، صص 67-76). حکومت‌ها هم مانند افراد انسان منفرد و منزوی نبودند بلکه به اقتضای شرایط و احتیاج با هم روابطی داشتند. موقعیت جغرافیایی و مکانی، روابط میان حکومت‌ها را در محدوده‌ای از همکاری ناشی از هم‌جواری تا جنگ دامن می‌زد. روابط میان حکومت‌های ناهم‌جوار، ناشناخته‌تر، گه‌گاهی و نامعمول بود. به هر حال روابط بین حکومت‌ها یا «روابط دیپلماتیک» خوانده می‌شوند، مقدمه‌ای برای برقراری انواع روابط سیاسی و غیر سیاسی (مانند تجارت) تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، ملاقات میان بازیگران سیاسی و مذاکره در طول تاریخ سیاسی جامعه‌ها وجود داشته است.

دیپلماسی فنی است که در زمان صلح و جنگ به کار گرفته می‌شود، البته در دوران صلح، دیپلماسی و مذاکره دشوارتر انجام می‌شود. زمانی که دولت‌ها نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند با توسل به زور یا جنگ، خواست خود را به حکومت دیگر تحمیل کنند، استفاده از فن مذاکره، یعنی توسل به روش‌هایی که بدون اعمال زور، حکومت دیگر را به قبول چیزی که به آن راضی نیست، وادار می‌کند، ضرورتی آشکار خواهد بود. دیپلماسی به این مفهوم، از کهن‌ترین دوران زندگی سیاسی وجود داشته است و هرگاه حاکمی نتوانسته است خواست خود را به زور بر فرمان‌روای فرمان‌روای دیگری تحمیل کند از روشی سود برده است که می‌توان آنرا دیپلماسی نام نهاد. بنابراین ویژگی شاخص دیپلماسی، جنبه خارجی بودن آن یا اجرا شدن آن در خارج از محدوده اقتدار حکومت است. به عبارت دیگر، دیپلماسی اجرای سیاست خارجی دولت است.

دولت‌ها در روابط دیپلماتیک خود سعی در کسب حداکثر موفقیت در مسائل مورد نظر به طریق مسالمت‌آمیز را دارند. گاه ممکن است با دیپلماسی نامناسب بهترین مقاصد از دست برود و یا برعکس، یک هدف نامشروع به وسیله دیپلماسی خوب و هوش‌مندانه بدست آید. بنابراین موفقیت دیپلماسی بستگی به فراست و زیرکی دیپلمات و حسن تشخیص او در مقتضیات زمان و شرایط و احوال دارد. دیپلماسی فن و هنر است و دیپلمات خوب کسی است که پیچیدگی‌ها و رموز آنرا می‌شناسد. در اینجا بحث بر سر برقراری روابط میان حکومت‌ها نیست، بلکه موضوع مورد علاقه این مقاله آداب مذاکره (سفارت) و ویژگی‌های فرد مذاکره‌کننده (سفیر) است. بدون تردید محیط و شرایطی که مذاکرات سیاسی در آن

انجام می‌شود، بر نتیجه مذاکرات تأثیر می‌گذارد؛ به همین ترتیب شخصیت و ویژگی‌های مذاکره‌کننده بر خنثی‌سازی یا کم اثر کردن فشار محیط و شرایط نامطلوب، مؤثر است.

با عنایت به این نکات سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آداب سفارت و آیین مذاکره در دوران ایران باستان چه ویژگی‌هایی داشته است؟ بنابراین کوشش می‌کنیم به کشف و بررسی ویژگی‌های یک دیپلمات در ایران باستان، به وسیله بازخوانی کتاب شاهنامه به عنوان یکی از مآخذ عمده روایت گر تاریخ ایران پردازیم. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی مجموعه‌ای از کتاب‌های خدای‌نامه، شاهنامه ابومنصوری، روایات شفاهی و برداشت از منابع دیگر است، و حکیم طوس به بازسرای خاطره‌های ایران پرداخت و روایت‌های تاریخ ایران را تجمیع نمود و توانست مجموعه‌ای از خاطرات این منطقه را درهم آمیخته و در ذخیره ذهنی ایرانیان ثبت کند.

به‌رغم آن‌که درباره شاهنامه از منظرها و جنبه‌های گوناگون، پژوهش‌های زیادی انجام شده است، اما کم‌تر به موضوع مورد علاقه این مقاله توجه شده است. آثار پژوهشی مربوط به شاهنامه را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم کرد. گروه نخست، شامل آثاری می‌شود که بر جنبه ادبی شاهنامه و زبان فاخر آن تأکید می‌کنند. «سوگ سیاوش»، «مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار»، «هویت ایرانی و زبان فارسی» و «ارمغان مور» شاهرخ مسکوب (1354، 1356، 1373 و 1384) و کتاب «از پاژ تا دروازه رزان» محمد جعفر یاحقی (1371) از جمله آثار این دسته به شمار می‌آیند. دسته دوم، باورهای دینی، ملی و خردگرایانه فردوسی را شامل می‌شوند. «با نگاه فردوسی» از پرهام (1373)، «بوسه بر خاک پی حیدر علیه‌السلام» ابوالحسنی و «انسان آرمانی و کامل» رزمجو (1368) از این زمره‌اند. سومین گروه که از نظر تعداد کمتر از دو گروه قبلی است دربرگیرنده آثاری است که پدیده‌های سیاسی را در شاهنامه مورد بررسی قرار داده‌اند، به عنوان مثال، کتاب اعتماد مقدم با نام «شهریاری در ایران بر بنیاد شاهنامه» (1350)، که حکومت و ویژگی‌های حاکم را با نگاه به شاهنامه تحلیل کرده است. محمدعلی اسلامی ندوشن، نگرش فردوسی به جهان و جایگاه ایران در جهان را در کتاب «ایران و جهان از نگاه شاهنامه» (1381) بررسی کرده است. عنایت‌الله رضا در «پیوستگی آئین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایرانیان» (1355) علل شکل‌گیری نهاد شاهنشاهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ولفگانگ کناوت در «آرمان شهریاری ایران باستان» (1355) که به وسیله سیف‌الدین نجم‌آبادی به فارسی برگردانده شده است، شاه آرمانی و جایگاه او را در اندیشه ایران باستان به بحث می‌گذارد. مجتبیایی هم در «شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان» (1352) ویژگی‌های پادشاهی آرمانی در ایران را با دیدگاه افلاطونی تطبیق می‌دهد. فرهنگ رجایی در بخش دوم

کتاب خود با عنوان «تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان» (1372) به طرح خطوط اندیشه سیاسی در ایران باستان می‌پردازد. او از عواملی چون هم‌ترازی دین و سیاست، تمایل به یکتا پرستی، تقسیم کار اجتماعی و اندیشه شاهی در ایران باستان بحث می‌کند. اما شاهنامه محور کار او نیست و مباحث کلی را مطرح می‌کند. ابوالفضل کاوندی کاتب در مقاله «آئین شهریاری و روابط بین‌الملل در شاهنامه» که در مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی (1392) به چاپ رسیده است، به نکته‌هایی در زمینه روابط سیاسی و دیپلماتیک اشاره می‌کند، اما به آداب، تشریفات و چگونگی اعزام و پذیرش سفرا و ویژگی‌های سفیر نمی‌پردازد. بنابراین اگر فردوسی را چنان‌که مجتبی می‌گوید راوی صادق اسطوره‌ها و داستان‌های کهن ایران بدانیم آن‌گاه تمرکز بر ویژگی‌های روابط سیاسی از دید ایرانیان باستان و استخراج آداب سفارت و آئین مذاکره از روایت‌های شاهنامه می‌تواند بسیار اساسی و کاربردی باشد. تازگی این مقاله نیز در همین موضوع و منظر نهفته است.

1- تعریف دیپلماسی

دیپلماسی پیشینه‌ای به درازای تاریخ حکومت‌ها (دولت‌ها) دارد. برخی پیشینه دیپلماسی را هم‌زمان با دوران پارینه سنگی در قبایل استرالیا، ساحل‌نشینان جزایر اقیانوس آرام، سیاهان آفریقا، سرخ‌پوستان شمال و جنوب آمریکا و مردم چین و هندوستان به شمار می‌آورند (آلادپوش و توتونچیان، 1372، ص 33). واژه دیپلماسی در اصل از فعل یونانی دیپلم گرفته شده است که به معنای تا کردن است. کلمه دیپلما³ نیز از فعل مذکور مشتق گردیده و حاکی از نوشته‌تاشده یا طومار ماندی است که به هر کس اعطا می‌گردید، از اختیارات خاصی برخوردار می‌شد. بعدها این کلمه به منشور یا سندی که به فرستادگان دولت‌ها داده می‌شد اطلاق گردید (آلادپوش و توتونچیان، 1372، ص 3). مفهوم دیپلماسی از جمله مفاهیم پیچیده و دشواری است که تا کنون تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. پدلفورد و لینکلن به نقل از میزرا صالح، دیپلماسی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «روابط سیاسی رسمی متقابل میان دول در حال صلح در جهت دستیابی به امتیازات بیش‌تر از طریق مذاکرات، وعده‌ها، تهدیدات و مبادلات مختلف به منظور حمایت از شهروندان خود و فعالیت‌های آنان در سرزمین بیگانه و همچنین کسب اطلاعات و اختیار از موقعیت دول دیگر و کوشش در حل و فصل مسائل مشترک» (میرزا صالح، 1356، ص 1).

³ Diploum

⁴ Diploma

بیلیس و اسمیت نیز در کتاب خود، دیپلماسی را علاوه بر روابط میان دول و حمایت از شهروندان خود، عامل بازدارندهٔ تعارض و جنگ نیز می‌دانند و این‌گونه بیان می‌کنند: «دیپلماسی با تلاش‌هایی برای مدیریت و ایجاد نظم در محدوده یک نظام جهانی در ارتباط است و هدف از آن، ممانعت از تبدیل تعارض به جنگ است. در چشم‌انداز خرد، دیپلماسی را می‌توان ابزاری سیاسی تلقی کرد که بازیگران بین‌الملل از آن برای اجرای سیاست خارجی استفاده می‌کنند تا بتوانند به اهداف سیاسی خود برسند» (بیلیس و اسمیت، 1383، صص 716-713). تعریف دیگری نیز در این راستا از میرزا صالح وجود دارد، که دیپلماسی را «عمل هنرمندانهٔ نماینده یا نمایندگان یک دولت در قالب منافع ملی کشور خود فارغ از قدرت حاکمهٔ سایر دول از طریق سازمان ویژه‌ای که بدین منظور تأسیس شده‌اند» می‌داند (میرزا صالح، 1356، ص 1). دانشگاه آکسفورد نیز در واژه‌نامهٔ خود، دیپلماسی را این‌گونه بیان می‌کند: «دیپلماسی ادارهٔ امور بین‌دولت‌ها به وسیلهٔ سفیر و دیگر مأموران دیپلماتیک است» (صدر، 1382، ص 4).

در کل با توجه به تعاریف موجود در علوم سیاسی، می‌توان دیپلماسی را به دو مفهوم به کار برد:

الف- مجموعهٔ اقداماتی که دولت از طریق نمایندگان و مأموران رسمی خود به مورد اجرا می‌گذارد.

ب- روش‌ها و تکنیک‌هایی که از طریق سیاست خارجی در چهارچوب سیستم بین‌المللی صورت می‌گیرد.

بنابراین برای بررسی دیپلماسی در گذشته که مدّ نظر ما نیز هست، تنها می‌توان مفهوم الف را به کار برد چون مفهوم ب تعریفی جدید و مربوط به دوران معاصر است، که در گذشته کاربرد نداشته است. بنابراین منظور ما از دیپلماسی در این مقاله با تعریف میرزا صالح از دیپلماسی هم‌خوانی دارد و دیپلماسی عبارت است از: ارتباط بین دول آزاد، مستقل و عاقل به منظور حصول و پیش‌برد مقاصد و هدف‌های معین و از قبل تعیین شده، که این عمل به وسیله هیأت دیپلماتیکی انجام می‌شود که وظیفهٔ آن حفظ منافع دولت و شهروندان کشور فرستنده نزد دولت پذیرنده است. هیأت دیپلماتیک و نمایندگان دول که به سوی کشور و حکومت دیگر می‌روند در گذشته با نام سفیر⁵ یا فرستاده شناخته می‌شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

⁵ ambassador

2- دیپلماسی سنتی

برای درک مفهوم دیپلماسی در گذشته و چگونگی انجام آن به بررسی مختصری از تاریخ دیپلماسی می‌پردازیم. بر پایه بررسی‌های تاریخی انسان‌ها از دوران گذشته با یکدیگر روابط سیاسی داشتند و برای تحکیم منافع ملی و رسیدن به اهداف خارجی خود، ناگزیر به برقراری روابط متقابل با ملل هم‌جوار و دور بوده‌اند. در این میان، یونان، ایران و روم باستان جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده‌اند به گونه‌ای که در مورد دیپلماسی و چگونگی آن در تمدن‌های فوق بحث و گفت‌وگوی زیادی شده است (بیژنی، 1384، ص 118).

ماهیت روابط دیپلماتیک در گذشته، یک‌سره فردی و شخصی بود و اغلب تمایلات شاه و ویژگی‌های شخصی دیپلمات از عوامل تعیین‌کننده در روابط بودند. دو وظیفه مهم دیپلمات‌ها در این دوره یعنی مذاکره با طرف دیگر و ارسال اطلاعات و اخبار به مرکز، اموری یک‌سره شخصی بودند و به جز پادشاه و یا دولت‌مردان برجسته، کمتر کسی بر این روند نظارت داشت. در این دوران، دیپلمات‌ها به سبب نبودن نظارت مردمی بر دستگاه‌های دولتی، تنها در برابر پادشاه پاسخ‌گو بودند و روند روابط دیپلماتیک از دید مردم جریانی یک‌سره بسته، مخفی و حتی در بعضی موارد ترسناک بود؛ زیرا با اندک تحرک مشهودی از سوی دیپلمات‌ها، مردم خود را با جنگی بزرگ روبه‌رو می‌دیدند. اقتدار و اختیار تصمیم‌گیری دیپلمات‌ها در این زمان بسیار زیاد بود و به سبب همین ویژگی، در بیش‌تر زمان‌ها دیپلمات‌ها از میان اشخاصی با قابلیت زیاد و مورد اعتماد بسیار شاهان گزینش می‌شدند و با تشریفات زیادی مورد پذیرش مقامات کشور میزبان قرار می‌گرفتند (بیژنی، 1384، ص 119).

بر اساس تعریفی که از دیپلماسی و سفیر عنوان کردیم، با بررسی موردی شاهنامه، آداب سفارت و ویژگی‌های سفیر و آیین مذاکره را بیان و نقل می‌کنیم.

3- ویژگی‌های دیپلمات (سفیر) در شاهنامه

امر سیاسی در شاهنامه در صف‌آرایی خیر و شر، نیکی، بدی و نور و ظلمت، به تصویر کشیده شده است. دیپلماسی در این جهان‌بینی، نیاز به کارگزارانی دارد که هم‌زمان با باور به دوگانگی، گاه حامل پیام‌ها و ایجاد گفت‌وگو برای هم‌زیستی و صلح میان آن دوگانه‌ها هستند. در ابتدای شاهنامه که هنوز حکومت ایرانی به شاخه‌های توران و روم تقسیم نشده بود و صرفاً در ایران زمین متمرکز بود، در سایه امنیت و صلح ناشی از وحدت، فرستاده‌ای که به ممالک اطراف می‌رفت، پیک صلح و پیوند بود نه پیام‌آور جنگ. نخستین فرستاده‌ای که در شاهنامه نام برده می‌شود "جندل" پیک فریدون است که برای خواستگاری از دختران سرو، شاه یمن، به این کشور می‌رود. «فریدون بسیار هوش» با برگزیدن جندل و

ملاک‌هایی که در انتخاب او به کار می‌برد، در حقیقت، مجموعه‌ای از ویژگی‌های دیپلمات (سفیر) برای انجام مأموریت در بیرون از حوزه اقتدار حکومت را آشکار می‌کند:

فریدون از آن نام‌داران خویش یکی را گران‌مایه‌تر خواند پیش

کجا نام او جندل پره‌نر به هر کار دل‌سوز بر شاه بر

که بیداردل بود و پاکیزه مغز زبان چرب و شایسته کار نغز (فردوسی، ج 1، 1960، ص 82)

خصوصیاتی که فریدون برای برگزیدن فرستاده بر آن‌ها تأکید ورزید، در تمام ادوار شاهنامه صفات ذکر شده به عنوان شرایط انتخاب فرستاده تکرار می‌شوند و شرایط اصلی برای انتخاب سفیر به شمار آمدند. صفات ذکر شده براساس شاهنامه به شرح زیر توضیح داده شده‌اند.

3-1- گران‌مایگی⁶

نخستین مشخصه فرستاده فریدون گران‌مایگی بود. اگر بخواهیم بدانیم گران‌مایه بودن در شاهنامه به چه معنایی به کار گرفته شده است و بر چه مشخصه‌ای برای یک فرستاده تأکید می‌شود، می‌توانیم از بیتی که راجع به مهرباب کابلی آمده است، کمک بگیریم:

ابا آن که مهرباب از این پایه نیست بزرگست و گرد و سبک مایه نیست (فردوسی، ج 1،

1960، ص 177)

در این بیت سبک‌مایه نبودن مترادف با گران‌مایگی به کار گرفته شده است که با توجه به مصرع اول، می‌توان گران‌مایگی را به داشتن تبار و ارج‌مندی معنی کرد. از این رو می‌توان اولین مشخصه یک فرستاده را (که با آوردن پسوند (تر) بر آن تأکید شده است)، داشتن نسب والا و عزت و جلال دانست. این دو ویژگی مهم‌ترین معیار تقسیم‌بندی مردم در جوامع مبتنی بر نظم سلسله‌مراتبی است. ایران باستان جامعه‌ای طبقاتی بود و تحرک عمودی در آن جامعه وجود نداشت. حکومت و مناصب سیاسی در چنان جامعه‌ای در اختیار اقشار بالا قرار می‌گرفت و تبار و ثروت شرط لازم به شمار می‌آمد.

3-2- پره‌نر بودن⁷

پره‌نر بودن به معنی کاردانی و شایستگی، ویژگی دیگر فرستاده فریدون نقل می‌شود که در بیت دوم آمده است. معنی هنر در شاهنامه، دربرگیرنده «مجموعه فرهنگ و دانش و خردورزی» است

⁶ به معنی بزرگی، ارج‌مندی، عزت و جلال (دهخدا، 1345).

⁷ به معنی پرفضیلت، صاحب فضیلت بسیار (دهخدا، 1345).

(حسینی، 1382، ص 104)، چنان‌که فردوسی آن‌را در بیتی در برابر «گوهر» قرار داده و بر آن ترجیح می‌دهد و می‌گوید:

سخن زین درازی چه باید کشید
هنر برتر از گوهر آمد پدید (فردوسی، ج 2،
1962، ص 180)

یا این بیت که معنی «هنر» را مترادف با واژه فرهنگ به کار برده است:

گهر بی‌هنر زار و خوار است و سست
به فرهنگ باشد روان تن درست (فردوسی، ج 8،
1970، ص 199)

به این ترتیب گران‌مایگی با «پره‌نر» بودن همراه می‌شود. تردید اندکی وجود دارد که بدون کارآمدی و شایستگی، مذاکره به اهداف مورد نظر برسد.

3-3- دل‌سوز بودن⁸

اگر فرستاده‌ای واجد صفات گران‌مایگی و گردی و شجاعت و پره‌نری و دانش و رأی و خرد و فرهنگ و دانش باشد، فرستاده‌ای نیکوست که به بهترین وجه قادر به گزاردن پیام است، اما اگر دل‌سوزی و شفقت این فرستاده در حق فرستنده خویش نیز مسلم شود، اطمینان از حصول مطلب بیشتر می‌شود.

3-4- بیدار دل و خردمند بودن

بیدار دل⁹ بودن به معنی زیرکی و هوشیاری، یکی دیگر از ویژگی‌های فرستاده فریدون است، که این ویژگی در اکثر مواقع در کنار دانش و خردمندی می‌آید؛ زیرا خرد و زیرکی در برابر حیل‌ها و ترفندهای دشمن از لوازم موفقیت است. به این ترتیب در ایران باستان یکی دیگر از مشخصه‌های سفیر، زیرکی و هوشیاری است. در شاهنامه برای اکثر سفیران خواه ایرانی و خواه بیگانه، این ویژگی مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، می‌توان این بیت را که در مورد فرستاده فیلقوس به جانب داراب است، نقل کرد:

فرستاده‌ای آمد از فیلقوس
خردمند و بیدار و با نعم و بوس (فردوسی، ج 6، 1967، ص
376)

⁸ به معنی: دل‌سوزنده، مهربان، غم‌خوار، خیراندیش (دهخدا، 1345).

⁹ به معنی: هوشیاری (دهخدا، 1345).

بیداردلی با خردمندی مترادف به کاربرده شده است. در شاهنامه برای پیک (سفیر) کاووس که به دربار شاه هاماوران فرستاده می‌شود صفات دانش‌مند و خردمند بودن ذکر می‌شود:

گزین کرد شاه از میان گروه یکی مرد بیدار دانش‌پژوه
 گرنامه‌ی و گرد و مغزش گران بفرمود تا شد به هاماوران (فردوسی، ج 2، 1962، ص 131)

3-5- پاکیزه مغز¹⁰ و باشرم بودن

براساس جهان‌بینی ایرانی، پندار نیک یکی از نشانه‌های ایمان به شمار می‌آید. افکار و پندارها به اعمال انسان‌ها معنی می‌بخشند. پندار نیک مؤمنان را از غیر مؤمنان جدا می‌کند. به این ترتیب در جهان‌بینی دوگانه‌انگار، نماینده جهان نیک باید افکار و اعمالش ستوده و نیک باشد تا شایستگی نمایندگی را داشته باشد. خصوصیت دیگری که برای جندل نخستین فرستاده ذکر شده است. پاکیزه مغزی است این واژه به معنی پندار نیک و صادق بودن در عمل به کاربرده شده است و در اکثر مواقع توأم با «باشرم بودن» است. این خصوصیت در راستای ویژگی‌های قبلی و تأکیدی بر آن‌هاست؛ زیرا اگر فرستاده‌ای واجد صفات گران‌مایگی، هنرمندی، دانش و خرد و فرهنگ باشد، فرستاده‌ای نیکوست که به بهترین وجه قادر به گزاردن پیام است، اما اگر پاکیزه مغز بودن و باشرم بودن و شفقت این فرستاده در حق فرستنده خویش نیز مسلم شود، اطمینان از او بیش‌تر می‌شود. برای نمونه، دومین فرستاده سلم و تور، در زمان منوچهر به دربار فریدون می‌آید:

بجستند از آن انجمن هردوان یکی پاک‌دل مرد چیره‌زبان
 بدان مرد باهوش و با رأی و شرم بگفتند با لابه بسیار گرم (فردوسی، ج 1، 1960، ص 111)

سفیر قیصر روم، برانوش، که به نزد شاپور ذوالاکتاف آمد نیز دارای این ویژگی بود:

فرستاده‌ای جست‌بارای و شرم که دانش سرآید به آواز نرم
 دبیری بزرگ و جهان‌دیده‌ای خردمند و دانا پسندیده‌ای (فردوسی، ج 7، 1968، ص 246)

سفیر (دیپلمات) خوب از دروغ و حيله هرچند موفقیت‌آمیز باشد دوری می‌کند؛ زیرا این شیوه همیشه اثر مسموم‌کننده باقی می‌گذارد و تنفر طرف دیگر را بر می‌انگیزد و نتیجه به‌دست آمده از آن متزلزل است. رمز موفقیت در مذاکرات هم‌آهنگ ساختن علائق دو طرف با صداقت است نه با تزویر و نیرنگ.

3-6- چرب‌زبانی¹¹

¹⁰ به معنی پاک‌رأی، کسی که مغز و اندیشه پاک و درست دارد (دهخدا، 1345).

چرب‌زبانی یا «سخن‌ور بودن» و سخن‌دانی یکی دیگر از ویژگی‌های یک فرستاده است. در شاهنامه چرب‌زبانی به معنای خوش‌سخنی و نکته‌سنج بودن است. بهترین و مؤثرترین ابزار یک فرستاده، زبان و سخن اوست که با استفاده از آن قادر می‌شود تا از عهده‌کاری نیکو و بزرگ برآید. به عبارت دیگر، داشتن کلامی رسا و بلیغ و آراسته، آگاه بودن به راه و رسم سخن‌وری از ویژگی‌های دیپلمات به شمار آمده است. مأموریت و پیامی که سفیر حامل آن است همیشه خوشایند نیست و گاه احتمال سوء برداشت و بروز سوء تفاهم وجود دارد. سخن‌دانی و نکته‌سنجی در چنین شرایطی، ابزار برطرف کردن مشکلات است. در شاهنامه این صفت برای همه سفیران و در اکثر موارد، تکرار می‌شود. به عنوان مثال سفیری که اسفندیار به سوی رستم می‌فرستد چنین توصیف می‌شود:

فرستاده باید یکی تیز ویر سخن‌گوی و داننده و یادگیر (فردوسی، ج 6، 1967، ص 230)
این بیت با این هدف ذکر شد تا نشان دهد که سخن‌دانی و نکته‌سنجی، درباره فرستادگانی که با هدفی غیر از آن‌چه مورد تأکید این پژوهش است، گسیل می‌شدند، نیز شرط لازم به شمار می‌آمده است.
در داستان رزم خاقان چین با هیتالیان می‌خوانیم، خاقان که قصد دارد با انوشیروان روابط دوستانه برقرار کند، سفیر خود را با این ویژگی برمی‌گزیند:
سخن‌گوی مردی برجست از مهان خردمند و گردیده گرد جهان (فردوسی، ج 8، 1970، ص 157)

به هر حال فرستاده باید سخن‌دان و سخن‌سنج باشد، تا بتواند از سوء فهم احتمالی ممانعت کند و مأموریت خود را با موفقیت‌ترین سازد.

3-7- جهان‌دیده بودن¹¹

علاوه بر تمام ویژگی‌های نخستین سفیر که ذکر شد، یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در شاهنامه تأکید زیادی بر آن می‌شود و دیپلمات باید دارا باشد، و در بیت بالا در مورد رسول خاقان چین مورد اشاره قرار گرفت، «جهان‌دیده بودن» است. این صفت در راستا و متناسب با خصوصیات قبلی است. کسری سفیری به دربار قیصر می‌فرستد که این صفت در او آشکار است:
نهادند بر نامه بر مهر شاه سواری گزیدند زان بارگاه

¹¹ به معنی: خوش‌سخنی، گفتن سخنان دل‌انگیز و مطبوع طبع مستمع (دهخدا، 1345).

¹² به معنی آنکه بسیار در اقطار عالم سفر کرده، مجرب، آزموده، کارکشته و تجربه‌کار (دهخدا، 1345).

چنان چون بیایست چیره زبان جهان دیده و گرد و روشن روان (فردوسی، ج 8، 1970، ص 80)

همچنین پس از درگذشت قیصر روم، انوشیروان پیامی تسلیت آمیز برای فرزند قیصر که به جای پدر بر تخت نشسته است، می فرستد و او را از پشتیبانی خود دل گرم می کند و برای این کار فرستاده ای با مشخصات زیر روان کرد:

گزین کرد ز ایران فرستاده ای جهان دیده و راد آزاده ای (فردوسی، ج 8، 1970، ص 292)

جهان سیاست، مجال اندکی برای آزمون و خطا دارد. دیپلماتی که تجربه کافی نیندوخته باشد، در غوغای سیاست گم می شود. تجربه، و به تعبیر شاهنامه جهان دیدگی، شرط مواجهه با جهان بی قرار و دائماً متغیر سیاست است و جهان دیده بودن فرستاده یا سفیر، شرط لازم انجام مأموریت دشوار دیپلماتیک و مذاکره است.

3-8- دلیر بودن¹³

صفت دیگری که به تکرار برای دیپلمات در شاهنامه تعریف می شود، داشتن خلق و خوی منطبق بر آئین های پهلوانی و جوان مردی است؛ زیرا فرستاده ترسو قادر نخواهد بود در شرایط دشوار، مأموریت خود را به درستی انجام دهد. در موقعیت های عادی نیز، فرستاده ترسو ممکن است تحت تأثیر قدرت و شوکت دربار پذیرنده قرار بگیرد و نتواند مأموریتش را با موفقیت به پایان برساند. این ویژگی را همه حکومت ها برای فرستاده خود در نظر می گرفتند. برای روشن تر شدن مطلب می توان از آمدن رسول قیصر به دربار خسرو پرویز مثال آورد که علاوه بر ویژگی هایی که تا کنون برشمردیم، دلیر بودن نیز از صفات او ذکر شده است:

چو گشت از نوشین نویسنده سیر ننگه کرد قیصر سواری دلیر
سخن گوی و روشن دل و یار گیر خردمند و گویا و گرد و دلیر (فردوسی، ج 9، 1971، ص 80)

4- آداب ورود به محل مأموریت

در این قسمت به آداب و تشریفات و آئین مذاکره می پردازیم. دیپلمات (سفیر/فرستاده) در بدو ورود موظف به رعایت آداب و تشریفات دربار مقصد است. او باید از حرکت نابجا و نسنجیده ای که احتمالاً

¹³ دلاور، شجاع (دهخدا، 1345).

منجر به بدگمانی حکومت پذیرنده می‌شود، پرهیز کند، پیام را منتقل کند و پس از دریافت پاسخ به کشورش بازگردد. به عنوان مثال ارجاسپ به فرستادگان خود تأکید می‌کند هنگامی که به دربار گشتاسپ رسیدند در برابرش تعظیم کنند و بر آئین شاهان ادای احترام نمایند و به اطراف نگاه نکنند و چون شاه در مکان خود مستقر شد به او بنگرند و چون پاسخ را دریافت کردند بار دیگر اداء احترام کنند و از محضر او خارج شوند.

چو او را ببینید بر تخت و گاه	کنید آن زمان خویشتن را دو تاه
بر آیین شاهان نمازش برید	بر تاج و بر تخت او مگذرید
چو هر دو نشینید در پیش اوی	سوی تاج تابنده‌ش آرید روی
گزارید پیغام فرخش را	ازو گوش دارید پاسخش را

چو پاسخش را سربسر بشنوید زمین را ببوسید و بیرون شوید (فردوسی، ج 6، 1967، ص 77)

هنگامی که سلم و تور فرستاده خویش را به دربار فریدون گسیل داشتند به او سفارش مشابهی کردند.

5- آداب پذیرش سفیر

پذیرش سفیر آداب خاصی داشت. زمانی که ورود او به اطلاع دربار پذیرنده می‌رسید، نظامیان به استقبال سفیر می‌رفتند و به عبارت دیگر او را تا دربار هم‌راهی می‌کردند. محل پذیرش فرستاده به بهترین صورت تزئین می‌شد و شاه و درباریان با جامه‌های فاخر و زیورآلات در محل پذیرش که همان دربار بود جمع می‌شدند. این تشریفات نشان اعتبار، قدرت و شکوه کشور پذیرنده بود. نکته قابل توجه آن که در شاهنامه آئین پذیرش دیپلمات‌های بیگانه اگرچه هسته مشترکی دارد، اما هر قدر که در دوران تاریخی پیش می‌آیم و به میزانی که روابط سیاسی گسترده‌تر و متنوع‌تر می‌شود، جزئیات بیش‌تری مورد توجه قرار می‌گیرد. از موارد تشریفات و شیوه پذیرش سفیر از کشور بیگانه می‌توان، دربار اردشیر را نقل کرد که شاه در مجلسی با شکوه فرستاده را می‌پذیرفت:

هیونی سرافراز و مردی دبیر	برفتی به نزدیک شاه اردشیر
بدان تا پذیره شدندی سپاه	بیاراستی تخت پیروزه شاه

کشیدی پرستنده هر سو رده همه جامه‌هاشان به زر آزرده (فردوسی، ج 7، 1968، ص 177)

در مورد دیگر به خسرو انوشیروان آگاهی دادند که فرستاده هند با فیل و چتر و هزار بار شتر به کشور رسیده و درخواست دارد که بار بیاید. شاه دستور داد تا سپاهیان از او استقبال کنند:

هم آنگه چو بشنید بیدار شاه	پذیره فرستاد چندی سپاه (فردوسی، ج 2، 1962، ص 1536)
----------------------------	--

همچنین چون خسرو پرویز آگهی یافت که فرستادگان قیصر با هدیه و نثار به دربار او می‌آیند، دستور داد تا آنان را با احترام بپذیرند و بزرگان و گرانمایگان به پیشواز آن‌ها بروند:

پذیره فرستاد خسرو سوار گرانمایگان گرامی هزار (فردوسی، ج 9، 1971، ص 131)
 انوشیروان فرستادگان خاقان چین را به گرمی پذیرفت و از احترام به آنان چیزی فروگذاری نکرد.
 هیأت دیپلماتیک چین یک ماه مهمان پادشاه ایران بودند. در تمام این مدت با احترام فراوان با آن‌ها رفتار شد.

فرستاده را جایگه ساختند ستودند بسیار و بناختند (فردوسی، ج 8، 1970، ص 167)
 چو خوان و می آراستی میگسار فرستاده را خواستی شهریار
 بودند یکماه نزدیک شاه به ایوان بزم و به نخجیر گاه (فردوسی، ج 8، 1970، ص 168)

6- شیوهٔ ابلاغ پیام و انجام مأموریت

فرستاده یا سفیر که حامل پیام است، برای ابلاغ آن آدابی را رعایت می‌کند که نخستین آن رعایت کامل احترام به شاه و پذیرندهٔ پیام است. شیوهٔ ابلاغ پیام نیز هم گام با تحول و پیچیدگی حکومت و روابط سیاسی، با تشریفات بیش‌تری انجام می‌شود. چنان‌که از شاهنامه بر می‌آید رسم بر این بود که، هنگام رسیدن فرستادهٔ بیگانه به بارگاه و دادن پیام، برای بزرگداشت پادشاه، زمین را می‌بوسیدند، بر شاه آفرین می‌خواندند و او را ستایش می‌کردند: این آداب از نخستین مأموریت دیپلماتیک تا آخرین آن مشابه است. سفیر فریدون (جندل) در مقابل شاه یمن:

زمین را بوسید و چرمی نمود بر آن کهرتی آفرین بر فرود (فردوسی، ج 1، 1960، ص 49)
 و چون فرستاده‌ی انوشیروان نزد خاقان چین رسید:
 چو آمد بر شاه ترکان چین زمین را بوسید و کرد آفرین (فردوسی، ج 8، 1970، ص 178)
 فرستادگان ارجاسپ چون به پیش‌گاه گشتاسب رسیدند مانند بندگان او را نیایش کردند و نامهٔ خسرو را به او دادند:

نیایش نمودند چون بندگان به پیش‌گزین شاه فرخندگان (فردوسی، ج 6، 1967، ص 77)
 فرستادگان خسرو پرویز چون به بارگاه قیصر رسیدند، به او احترام زیادی گذاشتند، او را ستایش کردند و هدایای خود را تقدیم کردند:
 رسیدند نزدیک قیصر فراز چو دیدند بردند پیشش نماز

همه یک زبان آفرین خواندند بر آن تخت زر گوهر افشاندند (فردوسی، ج 9، 1971، ص 131)

چون فرستاده قیصر نزدیک تخت پادشاه ایران رسید، به گونه‌ای مشابه ایرانیان، ادای احترام کرد:
 چو آمد به نزدیک تختش فراز برو آفرین کرد و بردش نماز (فردوسی، ج 8، 1970، ص 253)
 فرستاده شاه هند به دربار خسرو انوشیروان هم رفتار مشابهی دارد:
 چو آمد بر شهریار بزرگ فرستاده‌ی نامدار سترگ
 به رسم بزرگان نیایش گرفت جهان آفرین را ستایش گرفت (فردوسی، ج 2، 1962، ص 1536)

7- امانت داری در ابلاغ با توجه به شرایط

سفیر، آورنده/برنده پیام است. پیام با توجه به شرایط حاکم بر روابط دو حکومت، گاه دل‌آزار و بعضاً خشن و حاکی از اعلان خصومت است. سفیر در ابلاغ این گونه پیام‌ها با خطر زندانی شدن و حتی مرگ مواجه بود. در چنین شرایطی او باید چگونه و با چه شیوه و زبانی پیام خود را ابلاغ کند؟ به هر حال رفتار او در وهله نخست باید مبین عظمت و قدرت‌مندی کشور و حاکم فرستنده سفیر باشد. به عنوان مثال، هنگامی که خراد برزین به دربار قیصر رسید، قیصر به او دستور داد که بر تخت بنشیند ولیکن او پاسخ داد که شاه ایران و قیصر آن قدر جایگاه بلندی دارند که شایسته نیست او در حالی که نامه شاه را در دست دارد و در پیش قیصر است، بنشیند:

بدو گفت قیصر که برزین گاه نشیند کسی کو بیمود راه
 چنین گفت خراد برزین که شاه مرا در بزرگی نداد است راه
 که در پیش قیصر بیارم نشست چنین نامه شاه ایران به دست
 مگر بندگی را پسند آیمت به پیغام او سودمند آیمت (فردوسی، ج 2، 1962، ص 1714)

این شیوه پیام‌رسانی نشان از پیچیدگی روابط سیاسی دارد. پادشاه در بالاترین سلسله مراتب سیاسی جای گرفته است و فرستادگان او ظرافت‌های دیپلماسی را آموخته‌اند. رفتار سفیر خسرو پرویز در برابر قیصر را می‌توان این گونه فهمید که علاوه بر تأکید غلوآمیز بر شأن شاه ایران، قیصر را نیز تکریمی دل‌نشین می‌کند؛ هم اقتدار و شوکت پادشاه خود را به رخ قیصر می‌کشد و هم بهانه‌ای برای قیصر باقی نمی‌گذارد.

8- جمع آوری اطلاعات

نکته‌ای که باید در پایان اضافه کنیم آن است که دیپلمات (سفیر) علاوه بر مأموریت اصلی، اطلاعات دیگری را هم جمع‌آوری می‌کند. سلم و تور از فرستاده خود که عازم ایران و دربار فریدون‌شاه است، اطلاعاتی به شرح زیر طلب می‌کنند:

بجستند هرگونه‌ای آگهی	زدیهمیم و زتخت شاهنشهی
ز شاه آفریدون و از لشکرش	زگردان جنگی و از کشورش
و دیگر زکردار و گردان سپهر	که دارد همی بر منوچهر مهر
بزرگان کدامند و دستور کیست	چه مایستشان گنج و گنججور

کیست (فردوسی، ج 1، 1960، ص 70)

هنگامی که بهرام گور قصد داشت به هندوستان لشکرکشی کند چون اطلاعات کافی از قدرت نظامی شاه هندوستان نداشت، ابتدا خود را به صورت فرستاده‌ای درآورد و ناشناس به هندوستان رفت تا پادگان شنگل را ببیند و اطلاعات مورد نیاز را کسب کند.

به تنها ببینم سپاه ورا	همان رسم شاهی و گاه ورا
شوم پیش او چون فرستادگان	نگویم به ایران به آزادگان (فردوسی، ج 7، 1968، ص 177)

نتیجه‌گیری

دیپلماسی، تجربه عملی در زندگی سیاسی است. تجربه و منطق پیوندی ناگسستنی دارند. تجربه در مواجهه با واقعیت معنی پیدا می‌کند و منطقی بودن یا نبودن کنش را نشان می‌دهد. از این چشم‌انداز، دیپلماسی به عنوان فن و هنر مذاکره، از پویایی زیادی برخوردار است. به عبارت دیگر، فنون دیپلماسی هم گام با شرایط دچار تغییر می‌شوند. به این ترتیب به نظر می‌رسد میان دیپلماسی کهن و مدرن ارتباطی وجود ندارد. در دیپلماسی امروز، ممکن است بعضی از ارزش‌هایی که در قدیم برای انتخاب سفیر برمی‌شمردند، تغییر کرده باشد؛ زیرا وسایل ارتباطی وسیع و سریع امروز به مأموران دیپلماتیک امکان می‌دهد که حتی درباره جزئیات انجام مأموریت خود از دولت خویش دستور و راهنمایی بگیرند، با وجود این مواقعی پیش می‌آید که دیپلمات باید فوراً از حضور ذهن و قدرت سنجش دقیق و هوش و تخصص خود استفاده کند. بنابراین شرایط انتخاب دیپلمات هرچند مانند سابق انحصارگرایانه و نخبه‌گرایانه نیست، اما آن ویژگی‌ها، به کلی از بین نرفته است. در دیپلماسی از طریق استقراء تجربیات، قواعد و قاعده‌مندی‌هایی به وجود آمده است که ناشی از ویژگی‌های سیاست‌اند. شاهنامه هسته دیپلماسی و تکرار تجربیات را به عنوان قواعد این فن و هنر آشکار می‌کند. بلافاصله اشاره کنیم که شاهنامه با هدف آموزش

سیاست و دیپلماسی نگاشته نشده است؛ بلکه شاهنامه را باید روایت سیاست و حکومت در ایران باستان دانست. استخراج آداب سفارت و آئین مذاکره با این آگاهی و با فرض اتکای آن‌ها به قواعد ناشی از تجربه صورت گرفته است. اگر بخواهیم با کمک شاهنامه، ویژگی‌های مذاکره‌کنندگان را برشمردیم، می‌توانیم هشت مورد اصلی را این‌چنین نام ببریم:

- | | |
|------------------------|----------------------------|
| (1) گران‌مایگی | (2) پر هنر بودن |
| (3) دل‌سوز بودن | (4) بیدار دل و خردمند بودن |
| (5) صداقت و باشرم بودن | (6) سخن‌ور بودن |
| (7) جهان‌دیده بودن | (8) دلیر بودن |

نخستین ویژگی سفیر یعنی برخوردار بودن از پایگاه طبقاتی بالا و داشتن ثروت و مکنث، امکان تطمیع او را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر او دیرتر فریفته تشریفات می‌شود و به دلیل بی‌نیازی مالی، کم‌تر دچار وسوسه‌های مالی و مادی خواهد شد. شایستگی و تخصص، که دومین ویژگی فرستاده است، او را برای رویارو شدن با شرایط غیر منتظره آماده می‌کند. مذاکره فرآیندی پویا و متکی به موقعیت‌هاست. در طول مذاکره امکان تغییر در موقعیت و به وجود آمدن شرایط جدید وجود دارد، «پرهنر» بودن سفیر در چنین شرایطی اهمیت زیادی پیدا می‌کند. ویژگی دل‌سوزی به معنای وفاداری به آرمان‌ها است. سفیر نماینده و حامی منافع حکومت و دولت خود است. دل‌سوزی و پای‌بندی سفیر به منافع و مصالح کشورش او را در مسیر اهداف کشور نگه می‌دارد. چهارمین صفت، یعنی خردمندی، سفیر را قادر می‌سازد تا صحیح را از ناصحیح تمیز دهد و در خرد چنان باشد که اشاره را دریابد و پیش از آن‌که طرف سخن گوید حجت را بازشناسد. در تجربه سیال سفارت، احتمال وقوع و مطرح شدن مسائل و موارد پیش‌بینی نشده، همواره وجود دارد. خردمندی و هوشیاری معیارهایی برای تشخیص سریع و به موقع چنان مسائل و مواردی بوده و مذاکره را در راستای هدف یا اهداف از پیش تعیین شده نگه می‌دارند. پاکیزه مغز بودن و با شرم بودن در منظومه باورهای دوگانه‌انگارانه اهمیت فراوان دارد. سیاست گویا با فریب و ریا هم‌زاد است؛ اما فرد مؤمن به عدم امتزاج خیر و شر، نمی‌تواند ترکیب آن‌ها را بپذیرد. فرستادگان ایرانی در نظر، نمایندگان صفات اهورایی‌اند و در عمل مکلف به انجام هنجارهای نیک هستند. پندار نیک پشتوانه کردار نیک است. بر این اساس، فرستاده با دارا بودن صفت پندار نیک (پاکیزه مغزی)، از اعمال شرم‌آور پرهیز می‌کند، آرمان‌های جامعه خود را پاس می‌دارد و این همه، لاجرم در کردار او آشکار می‌شود. سخن‌وری و زبانی دل‌کش داشتن ویژگی دیگر است؛ زیرا بیان قدرت و افسونی انکارناپذیر دارد، و فرستاده را در مهیاسازی و تلطیف

فضای مذاکره یاری می‌کند. مذاکره در محیطی متفاوت با محیط مألوف سفیر انجام می‌گیرد. گاه در طول مذاکره کار به مجادله می‌کشد و گاه با طرح مطالب غیر مرتبط، از مسیر مستقیم خارج می‌گردد. سخن‌دانی و نکته‌دانی، سلاح مقابله در چنین شرایطی است. البته در فضای مذاکره این احتمال هم وجود دارد که سفیر مورد نظر، ناگزیر شود مذاکره‌ای را که در مسیر مطلوب او پیش نمی‌رود، از مسیر منحرف کند. علاوه بر این‌ها ممکن است سفیر حامل پیامی باشد که به‌درستی فهمیده نشود و نیاز به توضیح و تشریح داشته باشد. با توجه به چنین موقعیت‌هایی سخن‌دانی و نکته‌سنجی در امر مذاکره اهمیت می‌یابد. باتجربه و جهان‌دیده بودن نیز که یکی از مهم‌ترین صفات فرستاده است؛ چون مذاکره و دیپلماسی رموزی دارد که خارج از آموزش و در شمار صفات اکتسابی است و فقط در طول دوران و به مرور زمان می‌توان به رموز آن آگاه شد. تجربه و مواجهه عملی و طولانی با امر سیاسی، غموز سیاست را فاش می‌سازد. در حوزه سفارت و دیپلماسی، مجال آزمون و خطا اندک است. سفیری که تجربه لازم را در شناخت امر سیاسی نداشته باشد، اسیر امواج پیاپی سیاست می‌شود و موفقیت‌اش متزلزل خواهد بود. در انتها سفیر باید از جرأت و دلیری برخوردار باشد؛ زیرا جرأت بزرگ‌ترین سپر در برابر مسائل خوف‌ناک و نیرومندترین یار و یاور در نجات از محصه‌های انجام مأموریت و رسیدن به مطلوب است. بنابراین در صورت جمع شدن تمامی این موارد دیپلمات را می‌توان ایده‌آل و خیره‌دانست، که هرگز به چیزی جز دست‌یابی به کمال مطلوب و منافع مردم و کشور خود نمی‌اندیشید.

علاوه بر صفات و بایسته‌های مذکور، انجام مأموریت و شیوه ابلاغ پیام و نوع پذیرش دیپلمات، آدابی داشت که سفیر و میزبانان موظف به رعایت آداب و تشریفات بودند تا منجر به بدگمانی یکی از حکومت‌ها نشود و پیام به بهترین نحو منتقل و پاسخ داده شود. آداب‌دانی مستلزم آموزش است. آداب دیپلماتیک و آیین مذاکره قواعدی عام دارند که در قالب تشریفات و مقررات انجام می‌گیرد و این هسته مرکزی دیپلماسی است. در شاهنامه از نخستین مأموریت دیپلماتیک تا آخرین آن و در شرایط جنگ و صلح این آیین و آداب به تصویر کشیده شده است. جنبه متغیر آن آداب و آئین، تبعیت از زمان و مکان است. نکته انتهایی آن که فرستاده/سفیر، وظیفه جمع‌آوری اطلاعات را نیز داشته است. جمع‌آوری اطلاعات از دربار و کشور پذیرنده سفیر، تصمیم‌گیری را ساده‌تر می‌سازد. این هم از مواردی است از ابتدای شاهنامه تا انتهای آن به‌وسیله فرستادگان انجام می‌شده است. امروز نیز یکی از وظایف سفارتخانه‌ها جمع‌آوری اطلاعات از سرزمین و دولتی است که پذیرنده آن‌ها است.

- آلادپوش، ع. و توتونچیان، ع. (1372). *دیپلمات و دیپلماسی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- اسلامی ندوشن، م. (1381). *ایران و جهان از نگاه شاهنامه*. تهران: امیرکبیر.
- اعتماد مقدم، ع. (1350). *آیین شهریاری در ایران بر بنیاد شاهنامه فردوسی*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- پیژنی، م. (1384). *بهمن و اسفند*. دیپلماسی در گذر زمان. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. 221 و 222.
- بیلیس، ج. و اسمیت، اس. (1383). *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین: زمینه تاریخی و نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها* (ترجمه ا. راه چمنی). 2 جلد. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- تاقب فر، م. (1387). *شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران*. چاپ دوم. تهران: انتشارات معین.
- حسینی، ف. (1382). *تفاهم ملل و گفتگوی تمدن‌ها در شاهنامه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- دهخدا، ع. (1345). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رجایی، ف. (1372). *تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان*. تهران: نشر قومس.
- رضا، ع. (1355). *پیوستگی آیین شاهنشاهی با زندگی و معتقدات ایران* (ویژگی‌ها و مزایای آیین شاهنشاهی). تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی.
- صدر، ج. (1382). *حقوق دیپلماتیک و کنسولی*. چاپ ششم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فردوسی، ا. (1382). *شاهنامه بر پایه چاپ مسکو*. 2 جلد، تهران: هرمس.
- فردوسی، ا. (1971). *شاهنامه*. 9 جلد. مسکو: آکادمی علوم اتحاد شوروی.
- کاوندی کاتب، ا. (1392). *آیین شهریاری و روابط بین‌الملل در شاهنامه فردوسی*. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، دوره جدید، 28(293).
- کناوت، و. (1355). *آرمان شهریاری ایران باستان، از کسنفن تا فردوسی*، از روی آثار نویسندگان یونان و رم و ایران (ترجمه س. نجم‌آبادی). انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- گیدنز، آ. (1383). *جامعه‌شناسی* (ترجمه م. صبوری). چاپ یازدهم. تهران: نشرنی.
- مجتبائی، ف. (1352). *شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان*. تهران: انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان.
- منجد، ص. (1363). *سفیران، سفارت در اسلام و سفارت در غرب* (ترجمه پ. اتابکی). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- میرزا صالح، غ. (1356). *مقدمه‌ای بر تاریخ تئوری دیپلماسی*. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.